

مسئله قومیت ها در ایران

ارائه شده در مراسم اهدای جایزه حقوق بشر ۲۰۱۳ - بوخوم
در ۸ دسامبر ۲۰۱۳ / محمد قادری

بخش پنجم

باز هم در باره کولبران



کسانی که حاضر به پرداخت رشوه به نیروی انتظامی نیستند مجبورند که پروسه قاچاق کالا را در ساعات مشخصی از شبانه روز مثلا صبحگاه یا نیمه های شب از مرزهای صعب العبور و با شرایط دشوار انجام دهند که در بسیاری از موارد تاریکی شب، وضعیت نابسامان هوا، و هراس از گلوله های سربی نیروهای انتظامی باعث سقوط این افراد به دره ها به همراه بار قاچاق و از دست دادن جانشان میشود. متأسفانه این گونه جان باختن ها از دید فعالان حقوق بشر پنهان می ماند و معمولاً به اخبار آن دسته که مورد شلیک مستقیم نیروهای انتظامی قرار می گیرند بسنده می شود.

اما برای برخی دیگر معامله با جان به گونه دیگری اتفاق می افتد. بیشتر اخبار در مورد کولبران هم به این دسته اختصاص میابد. کسانی که به دام نیروهای انتظامی گرفتار می شوند و مورد شلیک مستقیم گلوله نیروهای انتظامی قرار می گیرند.

بزرگترین سوالی که به ذهن تمام خوانندگان این متن خطور می کند این است که نیروی انتظامی و به خصوص سرباز وظیفه ای که دوران خدمت خود را سپری میکند با کدام مجوز و کدام حکم اجازه شلیک به انسانی دیگر را پیدا می کند؟ در قانون به صراحت بیان شده که اگر نیروی انتظامی بالاتر از ساق پا را هدف قرار دهد مرتکب قتل عمد شده. این همه کشتار کولبران آیا از روی سهواً انجام می گیرد؟ آیا تمام افرادی که محروم ترین قشر جامعه را به گلوله می بندند سهواً این کار انجام می دهند؟ اگر فرض محال را هم بر این بگیریم که تمام این کشتارها سهواً و از روی خطا بوده آیا اشخاصی که این بیشمار خطاها را مرتکب شده اند در محاکم صالح محاکمه می شوند؟

مگر نه این است که این کشتارها همه نتیجه نگاه تبعیض آمیز رژیم نسبت به مردم منطقه است؟ آیا غیر از این است که هر متهمی از قاتل گرفته تا سارق و متجاوز به عنف و ... همه در دادگاه محاکمه می شوند و حق دفاع از خود را دارند؟ پس بر اساس کدام قانون نانوشته ای این انسان های محروم و بی گناه بدون هیچ دادگاهی و بدون احراز جرم در محکمه ای بدون داشتن حق دفاع در کمتر از چشم به هم زدن جان خود را از دست می دهند؟ اگر نیروهای سپاه و نیروی انتظامی موظف به رسیدگی و اجرای حکم برای این کولبران هستند پس وظیفه قوه قضاییه و دادگاه در جمهوری اسلامی چیست؟ مگر نه این است که نیروی انتظامی در برخی موارد فقط در حد یک ظابط حق دستگیری متهم را دارد؟ پس با کدام مجوز اقدام به صدور حکم و اجرای حکم می کند؟

مگر نه این است که مجازات قاچاق حدود ۳ ماه یا بیشتر حبس است؟ چرا باید به خاطر ابتدایی ترین نیازهای هر انسانی که همان خوراک و پوشاک و مسکن است و در جوامع بدوی نیز به دست آوردن آن کار چندان دشواری نیست در رژیم اسلامی ایران برای آنها باید بهای سنگینی به قیمت جان را پرداخت؟ دلیل مرگ این بی شمار انسانها که سالانه متهم به مرگ و نابودی می شوند چیست؟

قاچاق یک دستگاه تلویزیون یا مقدار ناچیز کالایی که از طریق کولبران انجام می شود با قاچاق عظیم و گسترده سپاه پاسداران که در ابعاد گسترده و باور نکردنی انجام می شود به هیچ عنوان قابل قیاس نیست.

سپاه پاسداران و نیروی انتظامی که دستشان به خون صدها کولبر آغشته است بزرگترین باند قاچاق کالا در ایران هستند. قاچاق کالا در ابعاد گسترده در ایران توسط نیروهای دولتی انجام می شود که ارزش آن میلیاردها تومان است. عملیات قاچاق از همان مرزهایی انجام میشود که کولبران را مورد شلیک مستقیم گلوله قرار می دهند. در این میان از سرباز ساده تا افسر و وظیفه تا فرمانده پاسگاه و هنگ مرزی نصیب خود را از این معاملات با سودهای کلان می برند و به شایستگی به وظیفه خیانت خود به مردم عمل می کنند.

تمام افرادی که وظیفه شان مبارزه با قاچاق کالا است تا خرخره در قاچاق فرورفته اند و فطرت و ذات سیری ناپذیرشان نه به قاچاق و درآمد سرشار آن راضی می شود و نه به خون انسان های بی گناه. چون ضحاک خون مردم را می مکند و دریغ از سیری. جان مردمان زحمت کش و بی بضاعت را به بهانه مبارزه با قاچاق می گیرند. به راستی با چه معامله می کنند؟ از انصاف و انسانیت برای این مردم سخن نمی گوئیم چون چیزی از انسانیت برایشان باقی نمانده است اما حق داریم به این کشتارها اعتراض کنیم حق داریم اجازه ندهیم که ضحاک وار جوانان مان را ببلعند. کشتار کولبران در کردستان به فاجعه ای انسانی تبدیل شده. هیچ کس پاسخگوی خانواده ای که نان اورش را از دست داده نیست. هیچ پناهی برای این مردم بی پناه در کردستان وجود ندارد. هیچ گاه نبوده که قاتلان این افراد محاکمه و یا قصاص شوند چرا؟

آیا سپاه پاسداران به راستی کولبران را رقبای خود می داند؟ یا نه در پشت پرده کشتار کولبران سیاست های دیگری پنهان است؟

اگر هدف رژیم به راستی مبارزه با قاچاق کالا است چرا این مسئله را به صورت ریشه ای حل نمی کند و این معضل را لاینحل باقی می گذارد؟ چرا از راههای اصولی و منطقی برای مبارزه با پدیده قاچاق استفاده نمی کند؟ آیا آخرین راه و تنها راه کشتار است؟

در پس این کشتارها سیاست های کلان و دراز مدت رژیم نهفته است که اگر با بصیرت بیشتری به آن بنگریم واقعیت را بهتر درک خواهیم کرد. رعب و وحشت به هر گونه ایجاد شود برگ برنده ایست برای رژیم حال می خواهد اعدام فعالان مدنی و سیاسی باشد یا کشتار کولبران یا

وظیفه انسانی همه ماست که اجازه ندهیم با تداوم این کشتارها گرفتن جان انسان ها امری طبیعی شود. جمهوری اسلامی باید پاسخگوی این کشتارها باشد و باید عوامل این کشتارها شناسایی و محاکمه شوند. ما باید از مجامع و نهادهای بین المللی بخواهیم که رژیم ایران را مجبور به توقف این کشتارها نمایند.